



دوره ۲، شماره ۴ و ۵، پاییز و زمستان ۱۳۹۴
صفحات ۲۳۷ تا ۲۵۶

عناصر موضوعی جرم پول‌شویی در قانون مبارزه با پول‌شویی ایران و کنوانسیون‌های بین‌المللی

عادل ساریخانی^{۱*}، مرتضی فتاحی^۲

۱. دانشیار دانشگاه قم

۲. دانشجوی دوره دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه قم

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۱/۵ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۵/۳/۱۰)

چکیده

پول‌شویی یکی از جرائم علیه امنیت اقتصادی است. قانونگذار ایران متعاقب تصویب کنوانسیون‌های بین‌المللی وین (۱۹۹۸)، پالمو (۲۰۰۰) و مریدا (۲۰۰۳) و مصالح عمومی جامعه، قانون مبارزه با پول‌شویی را در سال ۱۳۸۶ به تصویب رساند، اما در تدوین آن کارشناسی لازم راجع به عناصر موضوعی و مجازات آن صورت نگرفته است، به‌گونه‌ای که اولاً غالب مصادیق رفتار ارتكابی با یکدیگر از لحاظ مفهوم و مصادق تداخل دارند، ثانیاً با دیگر قوانین کیفری در تعارض‌اند و ثالثاً پول‌شویی و آنچه در حکم پول‌شویی است، یکی انگاشته شده است و نیز موضوع جرم پول‌شویی که عایدات مجرمانه است، برخلاف کنوانسیون‌های مذکور در مفهوم مضیق مال محصور شده و همچنین برای تعیین جرم منشأ هیچ معیاری منظور نشده است. عنصر روانی پول‌شویی با قصد صریح، قصد غیرصریح و بی‌پروایی می‌تواند تحقق پیدا کند که بی‌پروایی مورد تصویب قانون قرار نگرفته است و با پیش‌بینی جزای نقدی نسبی در ماده ۹ این قانون اعمال اصل فردی کردن مجازات با مشکل مواجه است و استرداد اموال که مفهومی حقوقی است، جزای نقدی معرفی شده است.

کلیدواژگان

امنیت اقتصادی، پول‌شویی، جرایم اقتصادی، عناصر موضوعی جرم، کنوانسیون‌های بین‌المللی ضد پول‌شویی.

* adelsari@yahoo.com

مقدمه

پول‌شویی^۱ مجموعه رفتارهایی است که نسبت به عایدات مجرمانه به‌منظور مخفی ماندن جرم منشأ و مشروع جلوه دادن آن عواید صورت می‌پذیرد. مستند جرم‌انگاری پول‌شویی در اسلام می‌تواند قاعده «منع اکل مال به باطل» (مانده: ۲)، «حرمت اعانه بر اثم» (بقره: ۱۷۷) و رعایت مصالح عمومی داخلی و بین‌المللی باشد که با رعایت شرایطی موجب تجویز عمل است (نجفی، ۱۹۸۰: ۲۹۶). کنوانسیون‌های بین‌المللی وین (۱۹۸۸)، پارمو (۲۰۰۰) و مریدا (۲۰۰۳) به‌دول متعامد توصیه کرده است که به‌منظور حفظ امنیت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی جامعه و پیشگیری از تطهیر عواید مجرمانه به جرم‌انگاری آن اقدام کنند، به همین سبب پول‌شویی در زمر جرائم مانع به‌شمار می‌رود.

بی‌تردید اگر جرم‌انگاری رفتارها با ابهام قانون کیفری همراه باشد، به‌طوری‌که معیار مشخصی برای تشخیص آن جرم در دست نباشد، محل تفاسیر متعدد قرار گرفته و مبارزه با جرایم، محل چالش قرار می‌گیرد. قانونگذار ایران به‌رغم پیوستن به کنوانسیون‌های مذکور، مقومات جرم پول‌شویی و مجازات آن را به‌درستی در قانون مربوط تبیین نکرده و موجب شده با دیگر قوانین کیفری تعارض پیدا کند و عملاً سبب ناکارایی آن در محاکم شود. بنابراین لازم است بررسی محققانه‌ای از حیث انطباق موضوع با استانداردهای حقوق کیفری و معیارهای جرم‌شناختی با رعایت کنوانسیون‌های بین‌المللی صورت پذیرد. مهم‌ترین سؤالات موضوع مقاله به شرح زیر است:

۱. مقنن ایرانی واژه‌های «استفاده کردن» عایدات مجرمانه و «کمک کردن» به مرتکب را بر چه مبنایی داخل در عناصر موضوعی جرم پول‌شویی قلمداد کرده است؟

۲. نحوه تعامل مادتين ۲ و ۳ قانون مبارزه با پول‌شویی ایران با مواد ۵۵۴ و ۶۶۲ قانون مجازات اسلامی و ماده دو قانون تشدید مجازات مرتکبان اختلاس، ارتشا و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ چگونه است؟

۳. «استرداد» و «ضبط» به‌عنوان مجازات در قانون مبارزه با پول‌شویی ایران با کدام معیار حقوقی توجیه‌پذیر است؟

این تحقیق با سازماندهی مطالب تحت عناوین عناصر مادی و روانی جرم پول‌شویی و مجازات آن از منظری جدید به تبیین آنها در مقایسه با کنوانسیون‌های بین‌المللی پرداخته و آنها را تجزیه و تحلیل کرده و سپس تعارض این قانون با سایر قوانین کیفری مرتبط در ایران تبیین و ارائه طریق شده است.

1 . Money laundering

۱. عنصر مادی جرم پولشویی

از مقومات هر جرم، پیکره خارجی آن از جمله فاعل، رفتار، موضوع، نتیجه و رابطه علیت است. بدین لحاظ چالش های موجود از نظر انطباق قانون مبارزه با پولشویی ایران مصوب ۱۳۸۶ با ضوابط حقوق کیفری و کنوانسیون های مذکور محل واکاوی است.

۱.۱. فاعل پولشویی

امروزه مرتکب جرایم، از منظر قوانین کیفری اعم از هر شخص حقیقی یا حقوقی پذیرفته شده است و از میان آنها کارکنان دولتی و اشخاص حقوقی بنابر حدود اختیارات و توانایی های خاصی که دارند، با سهولت هر چه بیشتری مرتکب جرم می شوند. پس منطقیاً باید مجازات شدیدتری که جنبه بازدارندگی داشته باشد، برای آنان لحاظ شود. مواد ۲ و ۹ قانون مبارزه با پولشویی ایران ناظر بر مرتکبان پولشویی است؛ در این قانون کارمندان دولت که از جایگاه خود برای پولشویی سوء استفاده کنند، مورد توجه خاصی قرار نگرفته است، یعنی شایسته بود مجازات این افراد تشدید می شد، زیرا کارکنان دولتی بنا به مسئولیت خود اختیاراتی دارند که دیگر افراد از آن بهره مند نیستند و اصولاً جرم توسط آنها ساده تر ارتکاب می یابد.

بند ۲ ماده ۱۰ کنوانسیون پالرمو (۲۰۰۰) نسبت به دولت های متعاقد یادآور شده است که در قانون ملی خود برای اشخاص حقوقی در صورت ارتکاب جرم پولشویی مسئولیت کیفری در نظر بگیرند، ولی در قانون ایران در این مورد، حکم خاصی وجود ندارد. سکوت قانون ایران به ویژه در ماده ۲ آن در خصوص مرتکب پولشویی، دلالت بر آن دارد که میان شخص حقیقی و حقوقی تفاوتی وجود نداشته باشد. ولی اطلاق عبارت «مرتکبین» در ماده ۹ همان قانون گویای این نظر نیست و وجه غالب عبارت اخیر به اشخاص حقیقی برمی گردد و از ظهور آن نتیجه گرفته می شود که قانونگذار ایران، در زمینه پولشویی چنانچه کنشگر یک شخص حقوقی باشد، مسئولیت کیفری قائل نشده است. با تعیین مجازات قابل اعمال بر اشخاص حقوقی در ماده ۲۰ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲ و با عنایت به ماده ۱۴۳ همان قانون این خلأ برطرف شده، زیرا قانون مجازات اسلامی بر سایر قوانین در موارد سکوت، ابهام و اجمال حاکم است.

۲.۱. رفتار مرتکب

یکی از مقومات ضروری عنصر مادی هر جرمی رفتار شخص مجرم است که برحسب طبیعت و اقتضای انجام هر جرم قانونگذار آن را توصیف کرده و با قید مجازات منع می کند (اردبیلی، ۲۰۹: ۱۳۸۴).

اگر در روش‌های جرم‌انگاری این شیوه علمی مدنظر قانونگذار کیفری قرار نگیرد، از مواردی است که گاه موجب نقض حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی می‌شود و گاه مفّری برای مجرمان حرفه‌ای محسوب می‌شود (ساریخی، ۱۳۹۱: ۲۹). رفتار در این جرم مجموعه اقداماتی است که بر روی عایدات ناشی از جرم اولیه انجام می‌گیرد تا از دید مأموران عدالت کیفری مخفی بماند و آن عایدات مشروع جلوه کند (باقرزاده، ۱۳۸۸: ۳۱). در همین زمینه ماده ۶ کنوانسیون پالمو (۲۰۰۰) و ماده ۲۳ کنوانسیون مریدا (۲۰۰۳) مصادیق رفتار پول‌شویی را افعالی نظیر تبدیل، تصاحب، انتقال و... عایدات ناشی از جرم دانسته‌اند. ماده ۲ قانون مبارزه با پول‌شویی ایران مصادیق رفتار جرم پول‌شویی را طی سه بند به شرح ذیل بیان می‌دارد. در این بحث ضمن تحلیل هر کدام از مصادیق مندرج در ماده ۲، تعارض آنها با ماهیت جرم پول‌شویی در مقایسه با کنوانسیون‌های بین‌المللی و استانداردهای حقوق کیفری بیان می‌شود.

۱.۲.۱. تحصیل، تملک، نگهداری و استفاده کردن

واژه‌های چهارگانه مذکور در بند «الف» ماده ۲ قانون مبارزه با پول‌شویی ایران از مصادیق رفتار مجرمانه پول‌شویی قلمداد شده است که به‌ترتیب بررسی می‌شود.

تحصیل در لغت به معنی ستاندن، جمع نمودن، به‌دست آوردن چیزی و کسب و اکتساب است (دهخدا: ۱۳۷۱)، در اصطلاح حقوق جزا تحصیل به رفتار شخصی اطلاق می‌شود که مثلاً با سرقت مالی از جایی، آن مال را به‌دست می‌آورد. سؤالی که در این خصوص مطرح می‌شود این است که آیا ارتکاب یک جرم مالی توسط مرتکب، همزمان تحصیل مال ناشی از فعالیت مجرمانه محسوب نمی‌شود؟ به‌طور مثال سارقی که مالی را ربوده، آن را تحصیل هم کرده است، آیا می‌توان گفت این شخص، مرتکب دو جرم سرقت و پول‌شویی شده است؟ فعلاً پاسخ داده می‌شود با توجه به اینکه یک رفتار دارای دو عنوان کیفری است، تعدد معنوی موضوع ماده ۱۳۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ است که مجازات اشد اعمال می‌شود.

سؤال دیگر در خصوص نحوه تعامل ماده ۲ مورد بحث با ماده ۲ قانون تشدید مجازات مرتکبان اختلاس، ارتشا و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام است، زیرا اولاً، در هر دو ماده لفظ «تحصیل» آمده و ثانیاً مال تحصیل شده، ناشی از فعالیت‌های غیرقانونی بوده، حال چه نوع تحصیل مالی مشمول ماده ۲ قانون مبارزه با پول‌شویی است و چه نوع دیگر مشمول ماده اخیرالذکر می‌گردد، نامعلوم است. به‌نظر می‌رسد با وجود مفهوم «تحصیل» در ماده ۲ قانون تشدید، دیگر نیازی به تکرار آن به این شیوه در این قانون نبود و تکرار مفاهیم بدون معیار جز آنکه بر ابهام قانون می‌افزاید، ثمره دیگری در پی نخواهد داشت.

در بند «الف» ماده ۲، واژه‌های تحصیل و تملک در کنار هم آورده شده است؛ آیا نشانه آن است که آنها قسیم یکدیگرند و هر کدام معنای خاصی دارند؟ یا مترادف بوده و قید تأکیدی دارند؟ تملک به معنای مالک شدن مالی به یکی از اسباب قانونی تملک است که عبارت‌اند از عقود و ایقاعات (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۰: ۵۰۰). به نظر می‌رسد با توجه به مفهوم مشترک تحصیل و تملک چند احتمال مدنظر قانونگذار بوده است. اول آنکه مقصود قانونگذار از تملک در بند «الف» ماده ۲ به‌دست آوردن مال ناشی از جرم از طریقی عقود و ایقاعات و راه‌های به‌ظاهر قانونی است و منظور از تحصیل به‌دست آوردن مال نامشروع از هر راهی است (گرایی، ۱۳۸۹: ۶۱). دوم آنکه تحصیل، لفظی عام است و همه صور به‌دست آوردن را شامل می‌شود و تملک خاص است و نقل و انتقال از طریق بیع را در برمی‌گیرد. به‌نظر می‌رسد استدلال اول و دوم مخدوش است، زیرا اولاً چنانچه مالی با تحصیل از راه غیرقانونی یا مالی با تملک از راه به‌ظاهر قانونی مانند عقود و ایقاعات به‌دست آید، در ماهیت امر مؤثر نیست، ثانیاً قانون‌نویسی باید موجز و مفید باشد و قانونگذار حکیم از آوردن الفاظ مبهم و مترادف خودداری کند.

مصادق دیگر رفتار پول‌شویی نگهداری است و از لحاظ لغوی به معنای حفظ کردن و محافظت نمودن چیزی است (بهشتی، ۱۳۷۱: ۱۱۱۰) و در اصطلاح حقوق جزا جرمی مستمر است که مرتکب، مال نامشروعی را نزد خود نگهداری می‌کند و مدت آن عرفی است. ابهامی که در این خصوص وجود دارد این است که چنانچه نگه‌دارنده مال ناشی از جرم منشأ همان مرتکب جرم اصلی باشد، آیا دو جرم محسوب می‌شود و اگر دو جرم است جرم نگهداری از چه زمانی شروع می‌شود؟ یا اینکه جرم واحدی است؟ اثر حقوقی این تفکیک آن است که جرم اولیه و پول‌شویی دو جرم متفاوت با مجازات جداگانه‌اند، مگر اینکه تعدد معنوی محسوب شود. اما این مسئله مورد عنایت رویه قضایی ایران، دکتترین و تفسیر علمی قرار گرفته است، از این رو نبود ابهام در قانون زمینه ظهور آرای متهافت را محو خواهد کرد.

استفاده از عواید ناشی از جرم از دیگر مصادیق رفتار پول‌شویی در بند «الف» ماده ۲ بیان شده و به معنی فایده خواستن بهره‌برداری کردن و سود بردن است (بهشتی، ۱۳۷۱: ۸۳) و پول‌شویی ضمن حفظ عواید ناشی از جرم، آنها را تطهیر می‌کند. حال ذکر عبارت استفاده کردن از عواید مجرمانه چگونه می‌تواند فلسفه جرم‌انگاری پول‌شویی را تأمین کند، بسی جای تعجب است، زیرا وقتی عواید ناشی از جرم مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد، زمینه کشف آن هویدا می‌شود و نظر مأموران کاشف را به سوی خود معطوف می‌دارد، از این رو تعریف پول‌شویی به استفاده کردن یک تعریف به تباین بوده که تعریفی نادرست است. در کنوانسیون‌های بین‌المللی مانند پالرمو (۲۰۰۰) برخلاف قانون موصوف ایران به‌درستی این واژه داخل در عناصر موضوعی جرم پول‌شویی نشده است.

۲.۲.۱. تبدیل، مبادله، انتقال و کمک کردن

در بند «ب» ماده ۲ مصادیق مذکور، از دیگر مصادیق رفتار جرم پول‌شویی قلمداد شده است. در اینجا نیز همان ابهامات که در خصوص مصادیق مذکور در بند «الف» ماده ۲ ارائه شد، در مورد عناوین اخیر دیده می‌شود، از جمله قانونگذار با آوردن الفاظی عام، دوپهلو و تردیدآمیز زمینه ظهور تفسیر به رأی را گشوده است، در صورتی که صراحت و شفافیت بیان، لازمه یک قانون مترقی و کارآمد است.

تبدیل از ریشه بدل و مصدر باب تفعیل است و به معنای عوض، جانشین و هر چه به جای دیگری واقع شود آمده است (بهشتی، ۱۳۷۱: ۱۶۴) و از نظر اصطلاح حقوق کیفری مقصود از تبدیل، رفتار کسی است که عواید حاصله از جرم منشأ را به مال مشروعی عوض کند، مانند آنکه از وجه فروش مواد مخدر ملکی بخرد. ایرادی که در این خصوص مطرح می‌شود این است که چه تفاوتی بین تبدیل با مبادله و انتقال وجود دارد؟ در پاسخ ابتدا لازم است مفهوم هر یک را تبیین کنیم، مبادله از ریشه بدل مصدر باب مفاعله و به معنی مشارکت دوجانبه است، در معنی آن گفته شده فاعل پول‌شویی با شخص دیگری که مطلع است مالی از جرمی به دست آمده آن مال را با مال دیگری عوض کنند تا ظاهری مشروع به خود گیرد (همان، ۱۳۸۹: ۶۲).

انتقال از ریشه نقل است، از نظر لغوی به معنی جابه‌جا کردن چیزی، از جایی به جای دیگر بردن و سخنی را شنیده و برای دیگری بیان کردن آمده است (بهشتی، ۱۳۷۱: ۱۱۰۸) و در علم حقوق به معنی زوال حقی از موضعی به موضع دیگر است، مانند آنکه حق مالک مبیع که به موجب عقد بیع زایل می‌شود و به مشتری تعلق می‌گیرد (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۰: ۱۴۸) و در اصطلاح پول‌شویی به رفتار مرتکبی اطلاق می‌شود که عواید ناشی از جرم را به دیگری انتقال دهد و با این عمل، آن عواید مشروع جلوه کند.

برخی معتقدند تبدیل، عوض کردن مال به صورت یکجانبه است، به گونه‌ای که طرف مقابل از نامشروع بودن مال مطلع نیست (گرایلی، ۱۳۸۹: ۶۲) و تبدیل کردن مال ملازمه با تغییر آن دارد، ولی مبادله اموال نیازی به تغییر ماهیت ندارد (ساک، ۱۳۸۸: ۴۶) و دست به دست شدن عواید مجرمانه است که به منظور تطهیر انجام می‌گیرد و انتقال عوایدی جرم بدون دریافت عوض است. با امعان نظر در معانی واژه‌های تبدیل، مبادله و انتقال مندرج در بند «ب» ماده ۲ قانون مذکور تنها تفاوت آنها، از حیث ادبی و مقوله‌ای است و براساس رویکرد ماهوی جز استحسان چیز دیگری نیست، زیرا در خیلی موارد با هم مترادف‌اند یا در مصداق با یکدیگر تداخل دارند، بنابراین ذکر قید توضیحی جز بر افزایش ابهام قانون ثمره مطلوبی در بر نخواهد داشت.

در فراز آخر بند «ب» ماده ۲ مذکور کمک به مرتکب به‌نحوی که وی مشمول آثار و تبعات قانونی ارتکاب آن جرم نشود، در تعریف پول‌شویی وارد شده است، ولی این عبارت مبهم، قابل تفسیر و تأویل بوده و دریافت حقیقت پول‌شویی از آن بسیار دشوار است. سؤالی که در همین زمینه مطرح می‌شود این است که تعامل آن با ماده ۵۵۴ قانون مجازات اسلامی چگونه است؟ و آیا مقصود از واژه کمک کردن در این بند معاونت یا مشارکت در پول‌شویی است؟ در پاسخ به پرسش نخست گفته می‌شود شاید اراده قانونگذار این بوده که کمک به مرتکب پول‌شویی مشمول همین قانون است نه ماده ۵۵۴. ولی عیب این تفسیر این است که جزای نقدی معادل یک‌چهارم عوایدی جرم در قانون مذکور خیلی کمتر از مجازات یک تا سه سال حبس در ماده اخیر است. در جواب سؤال دوم بیان می‌شود کمک به یاری و همراهی کردن معنی شده است (بهشتی، ۱۳۷۱: ۸۵۰)، مفهوم لغوی کمک کردن نشان می‌دهد مرتکب رفتار خود را مستقیماً روی موضوع اصلی جرم انجام نمی‌دهد، بلکه به مباشر جرم یاری می‌دهد، به سخن دیگر معاونت در اصطلاح حقوق جزا به رفتار کسی اطلاق می‌شود که بی‌آنکه در عملیات اجرایی جرمی شرکت داشته باشد، به طرق مختلف، مباشر را در ارتکاب عمل مجرمانه یاری می‌دهد (نوربها، ۱۳۸۷: ۲۰۲)، بنابراین، این عبارت صراحت در پول‌شویی ندارد.

شاید گفته شود ماهیت این جرم به‌گونه‌ای است که معاونان در آن نقش بیشتری از مباشران آن ایفا می‌کنند، پس عادلانه نیست که از مجازات کمتری برخوردار باشند که این نظر منطقی جلوه می‌کند، لکن برای کیفر مناسب این مجرمان سیاست جنایی می‌بایست رفتار آنها را در حکم پول‌شویی قرار دهد نه آنکه به‌عنوان عنصر مادی پول‌شویی قلمداد شوند و حتی به‌عنوان یک قاعده کلی، معاونت در جرایم سازمان‌یافته مانند پول‌شویی از مشارکت در این جرایم منفک نمی‌شود و همه دست‌اندرکاران ارتکاب این جرایم از مجازات برابر برخوردارند (سلیمی، ۱۳۸۲: ۳۴)، ولی ضوابط حقوق کیفری رعایت می‌شود.

۱.۲.۳. اخفا، پنهان و کتمان کردن

اخفا از ریشه خفی مصدر باب افعال به معنی پنهان کردن چیزی آمده است (البستانی، ۱۳۸۹: ۱۶۷). واژه پنهان کردن در معنی اخفا ذکر شده است (معین، ۱۳۷۰: ۱۷۳) و کتمان کردن از لحاظ لغوی به معنی پنهان کردن آمده است (بهشتی، ۱۳۷۱: ۸۲۲)، بنابراین مترادف بودن آنها محرز است. بند «ج» ماده ۲ مذکور اخفا یا پنهان کردن یا کتمان کردن ماهیت واقعی، منشأ، منبع، محل، نقل‌وانتقال، جابه‌جایی و مالکیت عواید مجرمانه را از دیگر مصادیق رفتار پول‌شویی تلقی کرده است. با توجه به اطلاق و عموم آنها، آن کلمات دلالت بر یک مفهوم دارند و معمول بر یک مصداق رفتار مجرمانه می‌شوند. به‌نظر می‌رسد می‌توان بین اخفا و پنهان کردن با کتمان کردن فرق قائل شد، به این

صورت که اخفا و پنهان کردن ناظر بر این است که مالی از اول پنهان بوده و هیچ‌کس از آن مطلع نیست و مخفی‌کننده تلاش دارد که با انجام کاری همچنان پنهان بماند. کتمان کردن ناظر بر موضوعی است که دیگران از آن اطلاع یافته‌اند، ولی دارنده آن از بیان آن خودداری می‌کند. به‌نظر می‌رسد این تفسیر راهگشا نخواهد بود، زیرا سندی بر این تفکیک وجود ندارد. بنابراین هر یک از این واژه‌ها قید تأکیدی بر دیگری است که قانونگذار حکیم از اطناب بی‌جا و آوردن کلمات مترادف باید خودداری کند و نیکوست به ذکر واژه پنهان کردن اکتفا کند.

یکی دیگر از اشکالات موجود در بند «ج» ماده ۲ موصوف ذکر کلمات منبع و منشأ در ادامه بند مذکور است که مترادف‌اند و به معنی ریشه و سرچشمه چیزی آمده است (الستانی، ۱۳۸۹: ۶۹۹-۶۷۳). اشکال دیگر نقل‌وانتقال و جابه‌جایی است که در معنی یکدیگر بیان شده‌اند (بهشتی، ۱۳۷۱: ۱۱۰۸)، برخی معتقدند جابه‌جایی حرکت فیزیکی و حسی چیزی است، ولی نقل‌وانتقال حرکت اعتباری از طریق عقود و ایقاعات است (گرایلی، ۱۳۸۹: ۶۲)، به‌نظر می‌رسد دلیلی بر این مدعا یافت نمی‌شود. از این رو بیان یکی از آنها ما را از ذکر دیگر الفاظ مستغنی می‌کند و ذکر کلمات مترادف در قانون، امری ذاتاً قبیح و نامتعارف تلقی می‌شود.

۳.۱. موضوع پول‌شویی

موضوع جرم پول‌شویی آن عواید مجرمانه‌ای است که رفتار مرتکب بر روی آن واقع می‌شود تا جرم منشأ از دید مأموران مخفی بماند و نیز آن عواید مشروع جلوه کند. با اینکه در وهله نخست، پول‌شویی یک جرم مالی است، می‌تواند به‌عنوان یک جرم اقتصادی^۱ مشمول جرایم علیه امنیت اقتصادی جامعه تلقی شود. پول‌شویی سازمان‌یافته و فراملی، این ایده را تقویت می‌کند، زیرا در برخی موارد، پول‌شویی چنان اهمیت پیدا می‌کند که می‌تواند تهدیدی جدی علیه امنیت اقتصادی یک جامعه محسوب شود.

ماده ۳ قانون مبارزه با پول‌شویی ایران موضوع جرم پول‌شویی را که براساس کنوانسیون‌های بین‌المللی وین (۱۹۸۸)، پالرمو (۲۰۰۰) و مریدا (۲۰۰۳) به‌ترتیب در مواد ۳، ۶ و ۲۳ عواید ناشی از جرم دانسته‌اند، منحصر در مال قلمداد کرده، حال آنکه عواید معنای عامی دارد. این نحوه بیان قانونگذار ایران در توصیف موضوع جرم پول‌شویی ابهام دارد و این مسئله اولاً زمینه شکل‌گیری

۱. در حقوق کیفری ایران جرم اقتصادی تعریف نشده است. ولی عبارت اخلال در نظام اقتصادی کشور در بند «ر» تبصره ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ بیان شده و در بند «ذ» همان ماده قانونی، لفظ پول‌شویی ذکر شده و در بند «ج» ماده ۴۷ قانون مذکور عبارت «جرم اقتصادی» آورده شده است.

تفاسیر متعدد و بعضاً ناروا را فراهم می‌کند و ثانیاً با این رویه، ماده ۳ مذکور راه مفری برای مجرمان پول‌شویی پیش‌بینی کرده است. سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که چه تفاوتی بین مال و عواید مالی وجود دارد؟ آیا مزیت‌های مالی و حقوق مالی مانند امتیاز یک کارخانه تولیدی و حق حبس و... مال محسوب می‌شوند یا عواید مالی‌اند؟

تعیین معنا و مفهوم «مال» هم در حقوق مدنی و هم در حقوق جزا آثار مهمی دارد. مال آن چیزی است که پرداخت پول یا یک کالای با ارزش دیگر در مقابل آن عرفاً و شرعاً جایز باشد (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۲: ۲۰۲) و نیز با توجه به سوابق تاریخی مال در معانی اراضی، منقولات، چهارپایان، مالیات، خراج، کالا و عمل کارگر به کار رفته است (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۰: ۵۹۷)، عایدات از ریشه عود به معنی درآمد سال مالی انسان است (همان: ۴۸۴) و نیز به معنی درآمد بیان شده است (بهشتی، ۱۳۷۱: ۷۰۹) که شامل هر گونه دارایی و مزیت اقتصادی می‌شود.

ماده ۲.۱.۱ قانون نمونه^۱ عواید حاصل از جرم را هر نوع مال یا مزیت اقتصادی اعم از مادی و معنوی، منقول یا غیرمنقول، ملموس یا غیرملموس، اوراق یا اسناد قانونی که دال بر داشتن مالکیت یا سهم در این‌گونه دارایی‌هاست می‌داند و بندهای «د» و «ه» ماده ۲ کنوانسیون پالرمو (۲۰۰۰) هم همین تعبیر را از موضوع جرم پول‌شویی ارائه داده‌اند و در موضوع جرم قائل به توسعه شده‌اند تا راه و مفر بر روی مرتکبان پول‌شویی بسته شود، از این‌رو براساس ماده ۳ قانون مبارزه با پول‌شویی ایران به دلیل تضییق در مفهوم مال، امتیازهای مالی مانند امتیاز یک کارخانه و اسناد حاکی از مال همانند اوراق قرضه و سهام شرکت‌ها و... از شمول پول‌شویی خارج هستند. البته این ابهام در انتخاب نام این قانون هم متبلور است، زیرا تطهیر عایدات ناشی از جرم را «پول‌شویی» نام‌گذاری کرده است، در صورتی که پول به معنای وجه رایج کشور است که به صورت قطعه‌ای فلز یا اسکناس انحصاراً توسط دولت تهیه شده (بهشتی، ۱۳۷۱: ۲۴۱) و مصداقی از عایدات مالی محسوب می‌شود.

اشکال دیگر نحوه ارتباط ماده ۳ قانون مذکور با ماده ۶۶۲ قانون مجازات اسلامی است، زیرا جرم منشأ در هر دو ماده جرم مالی معرفی شده است، حال چه نوع جرم مالی مربوط به ماده ۳ قانون مبارزه با پول‌شویی و چه نوع دیگر مشمول ماده ۶۶۲ قانون مجازات اسلامی است، در بوت‌های از ابهام قرار دارد. براساس فلسفه قانون مبارزه با پول‌شویی در سطح بین‌المللی جرم مقدم می‌بایست از جرایم مهم تعیین شود، پس شایسته بود قانونگذار در ماده ۳ با تأسی از

۱. قانون نمونه (Modle Code) برای مبارزه با پول‌شویی در سال ۱۹۹۵ توسط دفتر برنامه کنترل مواد مخدر سازمان ملل متحد تدوین شده است.

کنوانسیون‌های مورد بحث، معیارهایی مانند ضابطه احصای قانونی^۱ یا سیستم معیارشناسی برای تعیین جرم منشأ معرفی می‌کرد.

موضوع جرم پول‌شویی گاهی هم داشتن اطلاعاتی درباره عایدات ناشی از جرم است که عبارات اخفا کردن، پنهان کردن و کتمان کردن مندرج در بند «ج» ماده ۲ قانون مبارزه با پول‌شویی مصوب ۱۳۸۶ ناظر بر آن‌اند. بدین صورت که هر شخصی در مورد ماهیت واقعی، منبع و... عواید مجرمانه اطلاعاتی کسب کند، ولی از بیان آنها خودداری ورزد، مرتکب جرم پول‌شویی شده است. این مصادیق سه‌گانه به‌نوعی از جرایم علیه عدالت قضایی محسوب می‌شوند، زیرا این اقدامات، کنشگران نظام عدالت کیفری را در ایفای وظایف قانونی خودشان با چالش جدی مواجه می‌سازد. اخفا، پنهان کردن و کتمان کردن ماهیت واقعی عواید مجرمانه ظهور در ترک فعل هم دارند. ترک فعل امتناع از تکلیفی است که قانون بر عهده شخصی گذاشته است (نوربها، ۱۳۸۷: ۱۶۴)، پس در موردی که قانون الزام مثبتی بر عهده شخصی نهاده باشد ولی از انجام آن خودداری کند، جرم با ترک فعل محقق می‌شود. سؤالی که در این خصوص مطرح می‌شود این است که آیا قانون ایران وظیفه گزارش کردن را بر عهده شخصی نهاده که اگر کتمان کند، جرم پول‌شویی محقق می‌شود؟ به‌طور مثال کارمند بانک یا پلیس یا فرد عادی به مواردی از پول‌شویی صرفاً اطلاع پیدا کند و گزارش ندهد، آیا مرتکب پول‌شویی شده است؟ بدیهی است که پاسخ منفی است، زیرا قانون مذکور بیانگر این مطلب است که با ترک فعل، پول‌شویی محقق نمی‌شود، زیرا قبلاً تکلیف خاصی بر عهده کسی گذاشته نشده است، از این‌رو مصادیق سه‌گانه رفتار و موضوع گزارش دادن اطلاعات سالبه به انتفاء موضوع است، ولی شایسته بود با توجه به شرایط، اوضاع و احوال پول‌شویی مقنن برای برخی افراد مانند کارمندان بانک و پلیس و... چنین تکلیفی پیش‌بینی می‌کرد.

۴.۱. نتیجه حاصله

نتیجه دارای دو مفهوم است که یکی مادی و دیگری مفهوم قانونی آن است. نتیجه به‌عنوان یک پدیده مادی، تغییری است که در عالم بیرونی بر اثر رفتار مجرمانه بر روی موضوع جرم به‌وجود می‌آید. به سخن دیگر، وضعیتی که قبل از انجام این رفتار به یک گونه معین بوده ولی پس از ارتکاب آن، وضعیت تغییر ماهیت داده است، این تغییر از گونه‌ای به گونه دیگر، مفهوم نتیجه مادی است. در مفهوم قانونی، نتیجه، تجاوز به یک حق یا مصلحتی است که قانونگذار آن را شایسته

۱. کنوانسیون وین (۱۹۸۸) در ماده ۳ جرم منشأ را جرایم مواد مخدر احصا کرده و کنوانسیون پالمو (۲۰۰۰) در ماده ۶ جرایم مهم با چهار سال حبس را جرم منشأ بیان کرده است.

حمایت کیفری دانسته است، البته بین این دو، پیوند مستحکمی است و نمی‌توان یکی را بدون دیگری پذیرفت (رمضان، ۱۹۶۱: ۳۰).

یکی از اجزای داخل در مقومات مادی جرم، نتیجه ممنوعه است که آن از جرمی به جرم دیگر تفاوت می‌کند. البته مجازات رفتار همیشه منوط به نتیجه‌ای که بزهکار برای اخذ آن تلاش کرده است نیست. بعضی جرایم قطع نظر از نتیجه زیانبار احتمالی آنها، کامل به‌شمار می‌آیند. این جرایم در اصطلاح جرم مطلق (Absolute crime) نامیده می‌شوند که در برابر جرم مقید (result crime) قرار دارند و آن جرمی است که قانونگذار حصول نتیجه خاصی را جزو عنصر مادی جرم منظور کند (اردبیلی، ۱۳۸۴: ۲۱۶). ایرادی که از حیث نتیجه حاصله بر قانون مبارزه با پولشویی ایران وارد می‌باشد، این است که قانونگذار معلوم نکرده پولشویی جرمی مطلق است یا جرمی مقید.

در وهله اول به‌نظر می‌رسد با توجه به الفاظ مذکور در ماده ۲ قانون مبارزه با پولشویی تمام مصادیق مندرج در آن جرمی مقید است، پس در صورتی که پس از تحصیل و مبادله عواید ناشی از جرم، آنها ظاهری قانونی به خود بگیرند، جرم پولشویی تحقق پیدا می‌کند (گرایلی، ۱۳۸۹: ۱۵۷). نیز گفته شده جرم پولشویی براساس مصادیق مندرج در بند «ج» ماده ۲ قانون مذکور جرمی مقید است، زیرا مرتکب در عمل باید موفق به اخفا، پنهان یا کتمان کردن ماهیت واقعی، منشأ، منبع و... عواید ناشی از جرم شود، یعنی در عمل، این مصادیق به تطهیر منجر شوند، ولی اینکه مصادیق تبدیل یا مبادله یا انتقال باید به پنهان شدن جرم منشأ منجر شود تا بتوان معتقد شد که جرم پولشویی تحقق یافته است، چنین قیدی مدنظر قانونگذار نیست (ساک، ۱۳۹۰: ۱۵۴). به‌نظر می‌رسد صرف انجام رفتار پولشویی برای تحقق این جرم کافی است و قصد مخفی ماندن جرم منشأ، صرفاً سوء نیت خاصی است که جای بحث آن در رکن روانی است و این موضوع را از عبارت «به‌منظور پنهان کردن منشأ غیرقانونی...» مندرج در بند «ب» ماده ۲ مذکور به‌خوبی می‌توان فهمید، این نظر را فلسفه جرم‌انگاری پولشویی که پیشگیری از وقوع جرم منشأ است، تقویت می‌کند.

۵.۱. رابطه سببیت

برای ایجاد مسئولیت کیفری باید بین رفتار مجرمانه و نتیجه آن، رابطه علت و معلولی برقرار شود (Ashworth 1992: 99). این رابطه ضروری میان رفتار و نتیجه را رابطه علیت می‌نامند (اردبیلی، ۱۳۸۲: ۲۵۲). رابطه علیت حلقه پیوند میان فعل و نتیجه جرم است و طبیعتی مادی دارد و دو پدیده مادی یعنی فعل و نتیجه را به هم مرتبط ساخته و سهم رفتار را در نتیجه مشخص می‌سازد (نجیب حسینی، ۱۳۸۶: ۳۰). در برخی جرایم مانند جرایم مطلق یا جرایم سلبی بسیط یک کاستی در رکن مادی آنها وجود دارد که آن نتیجه است، بنابراین در این‌گونه جرایم رابطه سببیت بین مرتکب و رفتار او صرف‌نظر از نتیجه مدنظر است (قیاسی، ۱۳۹۰: ۲۵). اشکال دیگری که بر ماده ۲

قانون مبارزه با پول‌شویی ایران وارد است، مربوط به احراز رابطه سببیت در برخی از مصادیق جرم پول‌شویی مندرج در این ماده است و آن اینکه برقراری رابطه علیت بین رفتار با مرتکب در صورت مطلق بودن پول‌شویی، یا بین نتیجه با رفتار مرتکب در صورتی که قائل به مقید بودن آن باشیم، در مصادیق کمک کردن، اخفا و پنهان کردن اطلاعاتی در مورد ماهیت واقعی و... عواید مجرمانه که دیگری در اختیار دارد و چه بسا در حال انجام تطهیر آن است، مشکل به نظر می‌رسد، زیرا تطهیر عواید مجرمانه مستقیماً توسط کمک‌کننده و اخفاکننده اطلاعات انجام نمی‌گیرد، بلکه توسط مباشر صورت می‌گیرد، یعنی آنچه به تغییر در عالم بیرونی منجر شده و موجب گردیده عواید مجرمانه، مشروع جلوه کند، به رفتار مباشر مستقیماً نسبت داده می‌شود و مسئولیت کیفری کمک‌کننده و اخفاکننده در قالب معاونت مطرح می‌شود، حال آنکه ماده ۲ قانون مبارزه با پول‌شویی ایران این نکته ظریف و بااهمیت را لحاظ نکرده، کمک و اخفا را داخل در پول‌شویی قرار داده است. البته همان‌طور که بیان شد اگر قانونگذار می‌خواست معاونان جرم پول‌شویی را به لحاظ خطرناکی آنان مجازات همسان با مباشران بدهد، می‌بایست رفتار آنان را در حکم پول‌شویی قلمداد می‌کرد و در این صورت موضوع رابطه علیت هم به‌طور شفاف اعمال می‌شد نه اینکه کمک به مباشر پول‌شویی را داخل در مقومات جرم بدانند. این شیوه قانون‌نویسی بر خلاف قواعد حقوق کیفری است.

۲. رکن روانی جرم پول‌شویی

روند ذهنی انتخاب نقض یک قانون کیفری عنصر روانی جرم محسوب می‌شود، به عبارت دیگر عملکرد ذهنی مرتکب بر خلاف قانون جزا عنصر روانی جرم را تشکیل می‌دهد و بیانگر قابل سرزنش بودن مرتکب است. عنصر روانی جرم حالات مختلف ذهنی مرتکب را در برمی‌گیرد و به‌وضوح کسانی را که اراده به نقض قانون گرفته‌اند و بلکه کسانی را که علم فعلی یا بالقوه یا احتمال هرچند جزئی می‌دهند که رفتار آنها موجب نتیجه ممنوعه گردد، شامل می‌شود (Clarkson, 1987: 58). بنابراین عنصر روانی جرایم عمد درجات گوناگونی دارد و جرمی ممکن است با هر کدام از وضعیت‌های ذهنی مذکور تحقق پیدا کند، از این نظر مصادیق مختلف رکن روانی جرایم عمدی در جرم پول‌شویی در قوانین مورد بحث در مقایسه با استانداردهای قواعد حقوق کیفری مطالعه می‌شود.

۱.۲. قصد صریح

قصد صریح یا مستقیم مصداق اجلی عنصر روانی جرم عمدی است. قصد مستقیم، قصدی است برخاسته از اراده شخص بر ارتکاب رفتاری زیانبار، به‌طوری که صدمه ممنوعه خواست قلبی مرتکب

و هدف مستقیم وی باشد و در نیل به صدمه ممنوعه نقشی فعال ایفا می کند (صالحی، ۱۳۹۰: ۱)، به طور مثال شخصی که پول های ناشی از جرم منشأ را به قصد مخفی ماندن و مشروع جلوه دادن آنها به صورت سپرده نزد بانکها بسپارد (اسعدی، ۱۳۸۶: ۳۱۰)، به وضوح قصد صریح در پول شویی خواهد داشت.

پول شویی جرمی عمدی است که در آن علاوه بر سوء نیت عام، سوء نیت خاص شرط است. سوء نیت خاص، قصد وقوع نتیجه مترتب بر رفتار مرتکب است، صرف نظر از اینکه آن نتیجه در عالم واقع محقق شود یا نه. وقتی که مرتکب مخفی کردن جرم منشأ و مشروع جلوه دادن عوایدی جرم را هدف مستقیم خود قرار داده و نیل به آن خواست و میل درونی وی بوده است و برای دستیابی به آن نتیجه ممنوعه، هر گونه اقدامی را صورت می دهد و مشتاقانه در رسیدن به آن سعی می کند، عنصر روانی او، قصد صریح است. این قصد در کنوانسیون بین المللی وین (۱۹۸۸) شناخته شده، ولی اصطلاح خاصی برای آن به کار نبرده است. در بند «ب» فرعی ماده ۳ کنوانسیون وین (۱۹۸۸) با ذکر کلمه قصد، بر این نوع عنصر روانی جرم پول شویی دلالت دارد. کنوانسیون پالرمو (۲۰۰۰) در بند ۲ ماده ۶ به آگاهی مرتکب بر نامشروع بودن عواید اشاره دارد و با وجود علم مرتکب به مجرمانه بودن عواید، عمد نیز در رفتار پول شویی مستتر است. بنابراین در این کنوانسیون هم قصد صریح به عنوان عنصر روانی جرم پول شویی پذیرفته شده است.

بندهای ماده ۲ قانون مبارزه با پول شویی ایران دلالت دارد بر اینکه مرتکب باید علم داشته باشد که عواید مجرمانه در حال تبدیل، ناشی از جرم است و در عین حال عامداً مرتکب این رفتار می شود، مشخص است که قانون مبارزه با پول شویی ایران از باب مقوله ای دلالتی بر قصد صریح ندارد، ولی عملکرد بندهای سه گانه ماده ۲ نشان از پذیرش قصد صریح دارند.

۲.۲. قصد غیر صریح

زمانی که فرد رفتار مجرمانه را مرتکب شده و صدمه خاصی را نیز خواسته باشد، ممکن است تحقق صدمه زیانبار دیگری با صدمه ممنوعه نخست ملازمه داشته باشد، وقتی مرتکب صدمه ممنوعه دوم را نیز پیش بینی کند و در عین حال برای دستیابی به هدف اولیه که همان صدمه ممنوعه نخست باشد، تلاش کند، ایجاد صدمه دوم را نیز پذیرا می شود که می توان وی را نسبت به صدمه ممنوعه دوم نیز قاصد دانست (صالحی، ۱۳۹۰: ۳)، به طور مثال فردی صرفاً به قصد تحصیل پول های ناشی از جرم، نه پول شویی، آنها را به شماره حساب بانکی خود واریز و پیش بینی می کند ضمن تحصیل، جرم منشأ از دید مأموران کشف مخفی خواهد شد، در عین حال برای حصول به هدف نخست، اقدام می کند که در این حالت نسبت به پول شویی دارای قصد غیر صریح است. در این نوع قصد، عنصر خواستن مفقود است، ولی پیش بینی و آگاهی از تحقق نتیجه مجرمانه که در فرض مثال

تطهیر اموال ناشی از جرم است ضروری می‌باشد، پس در این حالت نیز جرم عمدی محسوب می‌شود، هرچند مرتکب مدعی شود خواستار وقوع چنین نتیجه‌ای نبوده است و به تعبیری قصد نامعلوم ریشه در خصوصیات جرم عمدی دارد (فلج، ۱۳۷۴: ۲۱۰).

بند ۲ ماده ۵ کنوانسیون پالمو (۲۰۰۰) اشعار می‌دارد علم یا قصد مرتکب و نیت یا توافق مورد اشاره در بند ۱ این ماده را از اوضاع و احوال و قرائن عینی می‌توان فهمید. کنوانسیون پالمو با در نظر گرفتن قصد مرتکب، تصریح دارد علم و قصد و هدف مرتکب پول‌شویی را از اوضاع و احوال جرم می‌توان کشف کرد که از این مطلب قصد غیرصریح هم استنباط می‌شود. قانون مبارزه با پول‌شویی مصوب ۱۳۸۶ ایران و کنوانسیون وین ۱۹۸۸ بر این نوع قصد اشاره‌ای ندارند، ولی از آنجا که پول‌شویی یک جرم مانع است، پیش‌بینی تحقق آن با عنصر روانی غیرصریح جنبه پیشگیرانه دارد و می‌تواند مفید باشد.

۳.۲. بی‌پروایی

این عنوان مشتمل بر وضعیت روانی مرتکبی است که ممکن است یک نتیجه ممنوعه از اعمال او ناشی شود، با این حال او به اعمال خود ادامه دهد. نتیجه حاصله نباید عملاً قطعی یا خواسته شده باشد، تنها چیزی که لازم است، درک این حقیقت است که اعمالش خطر ایجاد نتیجه ممنوعه را دربردارد، بنابراین اگر او آنچه را که ممکن است رخ دهد پیش‌بینی نکند، بی‌پروا محسوب نمی‌شود (Steve Brandon, 1994: 95)، بی‌پروایی به‌عنوان یکی از مصادیق عنصر روانی جرایم عمد، ضعیف‌ترین نوع آن است و پایین‌تر از قصد صریح و غیرصریح قرار دارد (صالحی، ۱۳۹۰: ۴). اگر فردی از شغل دیگری آگاهی دارد که قاچاقچی است، در این وضعیت مبالغ هنگفتی پول به ایشان بدهد و بگوید که آن را به حساب بانکی خود واریز بکند، ایشان با احتمال اینکه پول‌ها ناشی از جرم است، به آن توجهی نکرده و مبالغ را می‌پذیرد، وی مرتکب جرم عمدی پول‌شویی شده که عنصر روانی آن بی‌پروایی است.

کمیسیون آمریکایی کنترل سوء استفاده از مواد مخدر در ماده ۲ قانون مبارزه با جرایم پول‌شویی مصوب ۱۹۹۹ مقرر می‌دارد که: جرایم پول‌شویی عبارت است از: «کسب، تصرف، نگهداری، به‌کارگیری، پنهان‌سازی، تغییر ماهیت یا تبدیل یا دست به دست کردن مالی با علم به اینکه شخص می‌داند یا براساس شواهد و قرائن احتمال قوی بدهد که مال مزبور از عواید حاصل از مواد مخدر یا سایر جرایم مهم به‌دست آمده است». کلمه «احتمال قوی» عنصر بی‌پروایی محسوب می‌شود و می‌تواند دو رویکرد مهم ذهنی و عینی را از یکدیگر باز شناخت.

براساس رویکرد ذهنی مرتکب باید احتمال نامشروع بودن عواید را از ذهن خود عبور دهد تا جرم پول‌شویی محقق شود. از این منظر قاضی باید ثابت کند که متهم با علم به اینکه عواید ناشی

از جرم است، به تطهیر آن دست یازیده است. اما بر پایه رویکرد عینی اگر عواید ناشی از جرم به گونه‌ای باشد که هر فرد معقول نامشروع بودن آن را پیش‌بینی کند ولی باز به تطهیر آن اقدام نماید، جرم ارتكابی عمدی و مبتنی بر بی‌پروایی تلقی می‌شود، هر چند متهم در فضای ذهنی خود به این احتمال نیندیشیده باشد. بر این اساس می‌توان گفت قسمت اخیر ماده مذکور بر این میناست. قرار دادن این نوع عنصر روانی در رکن روانی جرم پولشویی اثر پیشگیرانه دارد و توجه بیشتر به این بزه به‌عنوان یک جرم مانع است. با بررسی قوانین مورد نظر جای این نوع عنصر روانی در قانون ایران خالی است، در صورتی که با طبیعت آن بزه همخوانی دارد و می‌تواند یک سیاست جنایی مؤثر علیه پولشویی تلقی شود.

۳. مجازات

قانونگذار ایران در ماده ۹ قانون مبارزه با پولشویی دو نوع مجازات (punishment) برای مبارزه با پولشویی در نظر گرفته است؛ یکی جزای نقدی و دیگری به اصطلاح استرداد درآمدهای مجرمانه که هر یک با نگاهی به اصول حقوق کیفری طی بندهای ذیل تحلیل می‌شود.

۱.۳. جزای نقدی نسبی

قانونگذار هنگام کیفرگذاری باید دو اصل مرتبط با یکدیگر را مدنظر داشته باشد، یکی اصل اعتدال؛ به این مفهوم که کافی است رنجی را که تحمیل می‌کند، بیشتر از سودی باشد که نصیب بزهکار می‌شود و دیگر اصل تناسب کیفر با بزه است، به گونه‌ای که ماهیت مجازات تا حد ممکن به بزه نزدیک باشد، به طوری که اندیشه بزه بلافاصله کیفر را در ذهن مرتکب تداعی کند و نیز مقیاس اندازه مجازات تابع زیان جرم باشد (پرادل: ۱۳۸۶: ۴۹). نظر به زیانبار بودن پولشویی از بعد اقتصادی، سیاسی و اجتماعی برای جامعه تعیین جزای نقدی به میزان یک‌چهارم عوایدی جرم به‌همراه استرداد درآمدهای ناشی از جرم منشأ در ماده ۹ قانون مذکور تناسبی با این جرم ندارد و این قانون به‌ویژه ضعف کیفرگذاری خود را در جایی بیشتر نشان می‌دهد که برای پولشویی سازمان یافته و نیز برای اشخاص حقوقی و معاونت در پولشویی، مجازاتی منظور نکرده است. این نقیصه می‌تواند افراد را به تشکیل باندهای سازمان یافته سوق دهد و خود به‌عنوان یک عامل جرم‌زا محسوب شود، بنابراین این بحث از دیدگاه سیاست جنایی سنجیده و عدالت کیفری قابل دفاع نیست (همتی، ۱۳۹۱: ۱۴۶). علاوه بر آن، قانونگذار در ماده ۹ از سیستم جزای نقدی نسبی تبعیت کرده است، یعنی حکم به جزای نقدی یک‌چهارم، به تناسب و براساس شاخص درآمد

مجرمانه است. کیفر نقدی بدون تعیین حبس، عملاً در رسیدن به اهداف نوین مجازات‌ها در پرتو اصل فردی کردن ناموفق بوده و انتقادهایی به شرح ذیل بر آن متصور است.

نخست اینکه قانونگذار عدد ریاضی یک‌چهارم را بر چه مبنایی برگزیده است؟ در صورتی که شایسته بود همانند ماده ۱ ق.ت.م.ا.ک مصوب ۱۳۶۷ میزان جزای نقدی معادل مال به‌دست‌آمده از جرم تصویب می‌شد؛ دوم آنکه، چرا مقنن حبس را در قانون مبارزه با پول‌شویی پیش‌بینی نکرده است؟ شاید اولین پاسخ به آن این باشد که سیاست حبس‌زدایی در راستای کاهش تورم جمعیت زندان و استفاده از جایگزین‌های زندان مدنظر بوده است. ولی این استدلال مخدوش است، زیرا اولاً اصطلاح حبس‌زدایی مرسوم در محافل علمی ناظر بر حبس‌های کوتاه‌مدت است (اردبیلی، ۱۳۸۱: ۲۷۹)، بنابراین با توجه به خطرهای پول‌شویی قرار نیست که حبس‌های کوتاه‌مدت سه ماه و یک روز تا یک سال مورد لحاظ قانونگذار قرار گیرد، بلکه حبس‌های تأدیبی در محیط زندان باید با پیش‌بینی فضاهای آموزشی و حرفه‌آموزی با مدل‌های زندان‌های باز و نیمه‌باز، حبس خانگی، زندان‌های منطقه‌ای بدون حصار و زندان‌های روزانه یا شبانه مورد تقنین قرار گیرد. ثانیاً اگر مجازات قانونی جرمی حبس باشد، اصولاً در نوع قرار تأمین کیفری صادره بی‌تأثیر نخواهد بود. زمانی که متهم، مرتکب پول‌شویی شده و دستگیر می‌شود، با توجه به مجازات آن، قرار تأمین اعم از وثیقه یا کفالت، غیر از بازداشت موقت خواهد بود. بنابراین با این نوع قرارهای تأمین کیفری بلافاصله آزاد می‌شود و در صورت محکومیت فقط جزای نقدی می‌پردازد و در هر حال به محل مراجعه می‌کند و بار دیگر رفتار مجرمانه را از سر خواهد گرفت. این مجازات نه تنها نظم به‌هم‌ریخته جامعه را اعاده نمی‌کند و انتظارات مردم را از دستگاه قضایی برآورده نخواهد کرد، چه بسا قبح این رفتار در میان مردم زدوده شده و تصور می‌شود که هیچ رفتار قاطعی با متهم صورت نگرفته است. اینجاست که حبس مجرمان خطرناک و یقه سفید اثر بازدارندگی بیشتری خواهد داشت. ثالثاً اگر سیاست کیفری در قانون مبارزه با پول‌شویی حبس‌زدایی است، قانونگذار مع‌الاسف در جهت خلاف آن سیاست در سایر قوانین مانند مواد ۷۰۲ و ۷۰۳ قانون مجازات اسلامی اصلاحی ۱۳۸۷ میزان مجازات حبس را افزایش داده و لذا این حرکت متناقض است.

ایراد سوم با عنایت به اصل فردی کردن مجازات که با هدف اصلاح و بازپروری مجرمان وارد حقوق جزا شده است، مطرح می‌شود و آن اینکه این اصل مترقی چگونه با سیستم جزای نقدی نسبی قابل اعمال است؟ در صورتی که قانونگذار می‌توانست همراه آن با پیش‌بینی مجازات حبس دارای حداقل و حداکثر به قاضی این اختیار را اعطا کند که به طرق مقتضی مجازات را با توجه به شخصیت مجرم متناسب سازد و در جهت اصل فردی کردن مجازات‌ها حرکت کند و پول‌شویانی را که کم‌خطرند، با اعطای آزادی مشروط، در راستای اصلاح آنان قدم بردارد که جای این اقدام در قانون مبارزه با پول‌شویی ایران خالی است. همچنین از دیدگاه سیاست جنایی، معافیت از مجازات برای کسی

که ارتکاب پول‌شویی را قبول کرده یا به افشای عملیات پول‌شویی پرداخته، اصولاً یک اثر پیشگیری دارد و سبب کشف جرم، قبل از ارتکاب و انصراف می‌شود (استفانی، ترجمه دادبان، ۱۳۸۳: ۲۳)، بنابراین پیش‌بینی معاذیر قانونی معافیت با هدف مذکور در قانون مذکور مغفول مانده است.

باید اذعان داشت که شاید قانونگذار ایران در قانون مبارزه با پول‌شویی در مقام تقنین تمام قواعد مربوط به مجازات پول‌شویی نبوده و تنها نظر به موارد غالب داشته است و قواعد مربوط به اصل فردی کردن مجازات را به قانون عام از جمله قانون مجازات اسلامی حواله کرده است. ولی این ایراد مهم همچنان بر مقنن وارد است، زیرا قانون مبارزه با پول‌شویی یک قانون خاص است و باید از جامعیت لازم و کافی برخوردار باشد و این احاله رفع ایراد نمی‌کند.

۲.۳. مصادره کیفری اموال

مجازات دیگر جرم پول‌شویی در ماده ۹ قانون مبارزه با پول‌شویی ایران بنابر تعبیر قانونگذار «استرداد درآمد و عواید حاصل از ارتکاب جرم» می‌باشد که تبصره ۳ آن مؤید این نظر است. برای روشن شدن ایراد این نوع کیفرگذاری لازم است مفاهیم ضبط، مصادره و استرداد اموال بازبینی شود. ضبط از نظر لغوی به معنای گرفتن و نگاهداشتن، حفظ کردن، محکم کردن و نگاهداری است (عمید، ۱۳۸۸: ۶۵۵). مصادره نیز از لحاظ لغوی به معنی مال کسی را به زور گرفتن، تاوان گرفتن و بازگیری آمده است (بهشتی، ۱۳۷۱: ۱۰۰۷) و استرداد از ریشه رت مصدر باب استفعال و به معنی درخواست برگرداندن است (البستانی، ۱۳۸۹: ۲۲۲). از نظر اصطلاح حقوقی ضبط یک نوع اقدام تأمینی و عبارت است از توقیف موقت شیء و بازداشت و نگهداری آن به‌طور موقت، بدون سلب مالکیت از مالک آن. ضبط با امید به اعاده به جایگاه قبلی صورت می‌گیرد (دولت‌آبادی، ۱۳۸۴: ۷). مصادره اصطلاحاً جنبه مجازات دارد و به معنای محرومیت دائم مالک از تمام یا بخشی از اموال خود است و به قهر و برای همیشه مال فرد به حکم دادگاه به مالکیت دولت درمی‌آید (دولت‌آبادی، ۱۳۸۴: ۸). تبصره ۵ ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و بند «ج» و «د» ماده ۲۲۳ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ بر تفکیک ضبط از مصادره اشعار دارند.

استرداد اموال از نظر اصطلاحی عبارت است از تسلیم مادی اموال کشف و ضبط‌شده از مجرم به مالک آن از سوی مراجع ذی‌صلاح قانونی (محمدی، ۱۳۷۵: ۳۰۱) و بازگرداندن مال توقیف‌شده به مالک یا متصرف قانونی آن (احمدی موحد، ۱۳۸۷: ۳۳۰). بنابراین استرداد اموال یک اصطلاح حقوقی و نه کیفری است و از باب جبران ضرر و زیان مالک بوده و ناظر بر عین اشیا و اموال است (آشوری، ۱۳۸۴: ۲۵۸)، همان‌طور که در جرایم کلاهبرداری، سرقت و ... دادگاه حکم به استرداد اموال به مالکان آنها می‌دهد. با توجه به متفاوت بودن مفاهیم ضبط، مصادره و استرداد اموال واژه «استرداد» به‌عنوان کیفر در عبارت «استرداد درآمد و عواید حاصل از ارتکاب جرم» مذکور در ماده ۹ این قانون تعبیر صحیحی نیست.

اگرچه با توجه به ذکر واژه ضبط، در تبصره‌های ۱ و ۲ ماده ۹ قانون مورد نظر کلمه «استرداد» حمل بر مجازات مصادره اموال می‌شود، در هر حال می‌بایست شیوه قانونگذاری منطقی و علمی باشد تا محل تفاسیر مختلف قرار نگیرد. ذکر کلمه «استرداد» در قانون کیفری موصوف، مفهوم این معنی نیز است که اگر عواید ناشی از جرم دارای مالک شخصی باشد، به وی مسترد می‌شود، حال آنکه در ماده ۹ مقرر شده که به خزانه دولت واریز شود که این سخن محل ایراد است.

آنچه در قانون مبارزه با پول‌شویی ایران مغفول مانده، حکم امتزاج درآمدهای مجرمانه با اموال مشروع پول‌شویان است، به‌طور مثال چنانچه شخصی با درآمدهای ناشی از جرم منشأ که دویست میلیون تومان است، با یکصد و پنجاه میلیون تومان پول مشروع خود، یک دستگاه آپارتمان در تهران خریداری کند، در خصوص مصادره آن باید به چه نحوی عمل شود، موضوعی است که در قانون مذکور تعیین تکلیف نشده است.

نتیجه‌گیری

هر یک از عناصر موضوعی جرم پول‌شویی اجزایی دارد که از آنها فراهم آمده و محال است بدون این اجزا در خارج قوام یابد یا در ذهن قابل تصور باشد. قانون مبارزه با پول‌شویی ایران در ماده ۲ مصادیق استفاده کردن، کمک کردن، اخفا، پنهان و کتمان کردن را برای بیان ماهیت پول‌شویی به‌کار برده که داخل در حقیقت و ماهیت پول‌شویی نبوده و از ذوات آن نیستند و چه بسا در قالب معاونت قرار می‌گیرند. البته از آنجا که خطر معاونان در پول‌شویی کمتر از مباشران نیست، مقنن می‌توانست براساس یک قاعده کلی رفتار آنان را در حکم پول‌شویی محسوب کند تا مجازات جنبه بازدارندگی داشته باشد.

قانون مبارزه با پول‌شویی ایران در ماده ۳ موضوع جرم پول‌شویی را محصور در مال دانسته، حال آنکه می‌بایست آن را عایدات مجرمانه که مفهومی موسع دارد، قرار می‌داد. از این‌رو براساس قانون ایران امتیازهای مالی مانند امتیاز یک کارخانه نمی‌تواند موضوع جرم پول‌شویی قرار گیرد. عبارت «فعالیت‌های غیرقانونی» در بند «الف» ماده ۲ قانون مذکور، «جرم منشأ» در بندهای «ب» و «ج» ماده فوق‌الاشعار و کلمه «کمک کردن» در قسمت اخیر بند «ب» ماده ۲، مجمل گذاشته شده است؛ به‌گونه‌ای که به‌ترتیب با «فعالیت‌های غیرقانونی» موضوع ماده ۲ قانون تشدید مجازات مرتکبان ارتشا و... مصوب ۱۳۶۷، «جرم مقدم» موضوع ماده ۶۶۲ قانون مجازات اسلامی و «کمک کردن» موضوع ماده ۵۵۴ قانون مجازات اسلامی تداخل دارند. در صورتی که مقنن می‌توانست برای تعیین جرم منشأ، خاص پول‌شویی از ضابطه احصای قانونی یا سیستم معیارشناسی برای رفع این تعارض بهره گیرد. قانون مبارزه با پول‌شویی ایران ذومراتب بودن رکن روانی جرم پول‌شویی را به رسمیت نشناخته و صرفاً تحقق آن را با قصد صریح پذیرفته و رکن

روانی قصد غیرمستقیم و بی‌پروایی مغفول مانده است، حال آنکه جرم مذکور به لحاظ خطرناکی آن اقتضای پذیرش این درجه‌بندی را دارد.

قانونگذار ایران با پیش‌بینی جزای نقدی نسبی در ماده ۹، اعمال اصل فردی کردن مجازات‌ها را در جرم پول‌شویی غیرممکن کرده که لازم است در کنار این مجازات، حبس‌های تأدیبی به شرحی که در متن آمد، تصویب می‌شد. در همین ماده و با توجه به تبصره ۳ آن، استرداد اموال که مفهومی حقوقی است، به غلط یک نوع جزای نقدی معرفی شده است، در صورتی که می‌بایست مصادره اموال بیان می‌شد.

منابع

۱. قرآن کریم

الف) فارسی

۲. آشوری، محمد (۱۳۸۴)، آئین دادرسی کیفری، ج نخست، چاپ دهم، سمت.
۳. اردبیلی، محمدعلی (۱۳۸۴)، حقوق جزای عمومی، ج نخست، چاپ هفتم، میزان.
۴. استفانی، گاستون (۱۳۸۳)، آئین دادرسی کیفری، ترجمه دادبان، حسن، دانشگاه علامه طباطبائی.
۵. اسعدی، سید حسن (۱۳۸۶)، جرائم سازمان‌یافته فراملی، چاپ دوم، میزان.
۶. باقرزاده، احمد (۱۳۸۸)، پول‌شویی در حقوق ایران و انگلستان و اسناد بین‌المللی، چاپ دوم، میزان.
۷. البستانی، فواد افرام (۱۳۸۹)، منجد الطلاب، ترجمه بندرریگی، محمد، چاپ اول، انتشارات اسلامیه.
۸. بهشتی، محمد (۱۳۷۶)، فرهنگ صبا فارسی، انتشارات صبا.
۹. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۹۰)، وسیط در ترمینولوژی حقوق، چاپ چهارم، گنج دانش.
۱۰. دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه.
۱۱. ژان پرادل (۱۳۸۶)، تاریخ اندیشه‌های کیفری، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ دوم، سمت.
۱۲. ساریخانی، عادل (۱۳۹۱)، انواع ترک فعل و مسئولیت کیفری آن از دیدگاه فقه و حقوق کیفری، فصلنامه تخصصی سروش عدالت، شماره ۱۳، دانشگاه قم.
۱۳. ساکی، محمدرضا (۱۳۸۸)، آشنایی با جرم پول‌شویی، چاپ دوم، انتشارات جاودانه.
۱۴. سلیمی، صادق (۱۳۸۲)، جنایت سازمان‌یافته فراملی، چاپ سوم، انتشارات جنگل.
۱۵. صالحی، محمدخلیل (۹۲-۱۳۹۱)، عنصر روانی جرم، مقطع کارشناسی‌ارشد رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه قم.
۱۶. عمید، حسن (۱۳۸۸)، فرهنگ فارسی عمید، چاپ اول، انتشارات فرهنگ نما.
۱۷. فلچر، جورج پی (۱۳۸۴)، مفاهیم بنیادین حقوق کیفری، ترجمه سیدزاده ثانی، سید مهدی، چاپ اول، انتشارات قدس رضوی.
۱۸. قیاسی، جلال‌الدین (۱۳۹۰)، تسبیب در قوانین کیفری، چاپ دوم، انتشارات جنگل.
۱۹. گرایلی، محمدباقر (۱۳۸۹)، پول‌شویی از منظر فقه و حقوق موضوعه، چاپ اول، انتشارات قدس رضوی.
۲۰. معین، محمد (۱۳۵۲)، فرهنگ فارسی، امیرکبیر.

۲۱. میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۸۸)، جرائم علیه اموال و مالکیت، چاپ بیست و پنجم، میزان.
۲۲. نجیب حسنی، محمود (۱۳۸۶)، رابطه سببیت در حقوق کیفری، ترجمه نیاز زارع، عباس، چاپ دوم، انتشارات آستان قدس.
۲۳. نجفی، محمدحسن (۱۹۸۰)، جواهرالکلام، دارالاحیاء، التراث العربی، بیروت.
۲۴. نوربهاء، رضا (۱۳۸۷)، زمینه حقوق جزای عمومی، چاپ بیستوسوم، نشر داد آفرین.
۲۵. همتی، محمدباقر (۱۳۹۱)، تدابیر پیشگیرانه و مجازات در قانون مبارزه با پول‌شویی، چاپ اول، انتشارات خرسندی.

(ب) انگلیسی

26. C.M.V. Clarkson, (1987), Understanding criminal law, Fontana press, London.
27. Steve, Brandon, (1994), An outline of English criminal law, university of London.
28. Andrew, Ashworth, (1992), Principles of criminal law, Oxford University Press.